

در بازار فارکس بازاری که روزانه تریلیون ها دلار جابهجا می‌شود، موفقیت تنها به توانایی تحلیل، استفاده از اندیکاتورها یا پیش‌بینی روندها بستگی ندارد. حقیقت این است که عاملی که معامله‌گران حرفه‌ای و پایدار را از معامله‌گران شکست‌خورده متمایز می‌کند، مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه است. فارکس بازاری مبتنی بر اهرم است و اهرم همان قدر که سود را بزرگ می‌کند، زیان را نیز چند برابر می‌سازد. بنابراین، حتی بهترین تحلیل‌ها و دقیق‌ترین استراتژی‌ها نیز در صورت نبود مدیریت ریسک و سرمایه، می‌توانند به نابودی حساب منجر شوند. موسسات مالی و صندوق‌های بزرگ سرمایه‌گذاری، بخش عمده‌ای از ساختار حرفه‌ای خود را به مدیریت ریسک و سرمایه اختصاص می‌دهند.

در این مقاله قصد داریم تا شما را با مفهوم مدیریت سرمایه و مدیریت ریسک و همچنین تمام مطالب مربوط به این دو مفهوم، مانند اهرم، نسبت ریسک به ریوارد، کال مارجین، حد سود و ضرر و ... را خدمت شما مخاطبان حسنی‌کال ارائه دهیم.

«معامله‌گری هنر سود کردن نیست؛ هنر کنترل ضرر. سود نتیجه کنترل ریسک است.»



ریسک در فارکس چیست؟

ریسک در معامله‌گری به معنای احتمال و میزان از دست رفتن سرمایه است. در فارکس که بازاری ۲۴ ساعته و فوق‌العاده نقدشونده است، ریسک‌های ناشی از تحولات ناگهانی اقتصادی، نوسانات شدید، اخبار غیرمنتظره، رفتارهای هیجانی معامله‌گر و یا حتی اشکالات پلتفرم معاملاتی، می‌تواند در عرض چند ثانیه بر نتیجه معامله تاثیر بگذارد.



انواع اصلی ریسک

۱. ریسک بازار:

یعنی حرکت قیمت برخلاف جهت معامله. این نوع ریسک اجتناب ناپذیر و اصلی‌ترین ریسک تمام بازارهای مالی است.

۲. ریسک اهرم (Leverage Risk):

اهرم بالا باعث می‌شود معامله‌گر بیش از توان واقعی حساب خود معامله کند. این موضوع عاملی مهم در نابودی سریع حساب‌های خرد است.

۳. ریسک نقدشوندگی:

در هنگام انتشار اخبار یا ساعات کم‌حجم، ممکن است سفارش‌ها با قیمت مورد نظر انجام نشوند یا با اسلپیج اجرا شوند.

۴. ریسک نوسان (Volatility Risk):

نوسانات بالا می‌توانند باعث شکسته شدن حدضررهای کوچک و ایجاد حرکات غیرقابل‌پیش‌بینی شوند.

۵. ریسک اجرایی (Execution Risk):

عواملی مانند کندی پلتفرم، قطعی اینترنت، تاخیر در اجرای سفارش، افزایش اسپرد در لحظات خاص و ... در دسته‌ی ریسک اجرایی قرار می‌گیرند.

۶. ریسک روانی:

بزرگ‌ترین ریسک در معامله‌گری، خود معامله‌گر است. هیجان، ترس، طمع، انتقام‌جویی و اعتمادبه‌نفس کاذب، ریشه اصلی بسیاری از شکست‌هاست.

معامله‌گران حرفه‌ای معمولاً بین ۱٪ تا ۲٪ از سرمایه را در هر معامله ریسک می‌کنند. اما چرا؟ زیرا هر سیستم معاملاتی ممکن است دچار زنجیره‌ای از ضررهای متوالی شود. به بیان دیگر، حتی یک استراتژی با وین ریت ۶۰٪ ممکن است دچار ۵ ضرر پشت سر هم یا ۷ ضرر پشت سر هم و یا حتی ۱۰ ضرر پشت سر هم شود. اما اگر معامله‌گر قانون طلایی ریسک را رعایت کند، باز هم بخش بزرگی از سرمایه‌ی او هنوز باقی مانده و امید برای بازگشت حساب بسیار زیاد است.

جدول افت سرمایه با ریسک‌های مختلف

ریسک در هر معامله	۵ ضرر متوالی	۱۰ ضرر متوالی
۱۰٪	-۴۱٪	-۶۵٪
۵٪	-۲۳٪	-۴۰٪
۲٪	-۹.۶٪	-۱۸٪
۱٪	-۴.۹٪	-۹.۵٪

پس نتیجه می‌گیریم که ریسک پایین، بقای بلند مدت را در پی خواهد داشت.

آموزش محاسبه‌ی حجم معامله در فارکس

حجم معامله مهم‌ترین عامل در مدیریت ریسک است. معامله‌گران حرفه‌ای ابتدا ریسک را محاسبه می‌کنند و سپس نقاط ورود و خروج را تعیین می‌کنند.

فرمول استاندارد حجم معامله

$$\text{Position Size} = (\text{Account Risk}) / (\text{Stop Loss in Pips} \times \text{Pip Value})$$

اگر این روش در هر معامله پیاده‌سازی شود، حساب شما هرگز نابود نخواهد شد.

حدضرر (Stop Loss) چیست؟



حدضرر نوعی بیمه است که برای حفاظت از سرمایه طراحی شده است. استاپ‌لاس در بازار فارکس ابزاری بنیادی در مدیریت ریسک است که به معامله‌گر اجازه می‌دهد حداکثر زیان قابل قبول خود را برای هر معامله از پیش تعیین کند. این ابزار نوعی

سپر حفاظتی محسوب می‌شود که با فعال‌سازی خودکار، معامله را در نقطه‌ای مشخص می‌بندد تا از گسترش زیان جلوگیری شود. در بازار پر نوسان فارکس که قیمت‌ها ممکن است در چند ثانیه تغییرات چشمگیری داشته باشند، استفاده از استاپ‌لاس نه تنها توصیه می‌شود، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از معامله‌گری حرفه‌ای است. استاپ‌لاس در واقع سطحی از قیمت است که معامله‌گر پیش از آغاز معامله آن را تعیین می‌کند. در صورتی که بازار برخلاف پیش‌بینی حرکت کند و قیمت به این سطح از پیش تعیین شده برسد، موقعیت معاملاتی به‌طور خودکار بسته می‌شود. این اقدام باعث می‌شود احساسات، هیجانات و تصمیمات لحظه‌ای کمترین نقش را در میزان ضرر ایفا کنند و معامله‌گر طبق برنامه مدیریت سرمایه خود عمل کند.

انواع حدضرر

۱. حدضرر تکنیکال:

این نوع از حد ضرر بر اساس قوانین تحلیل تکنیکال مانند سقف‌ها و کف‌ها، محدوده‌های عرضه و تقاضا، شکست‌های ساختاری و ... قرار داده می‌شود.

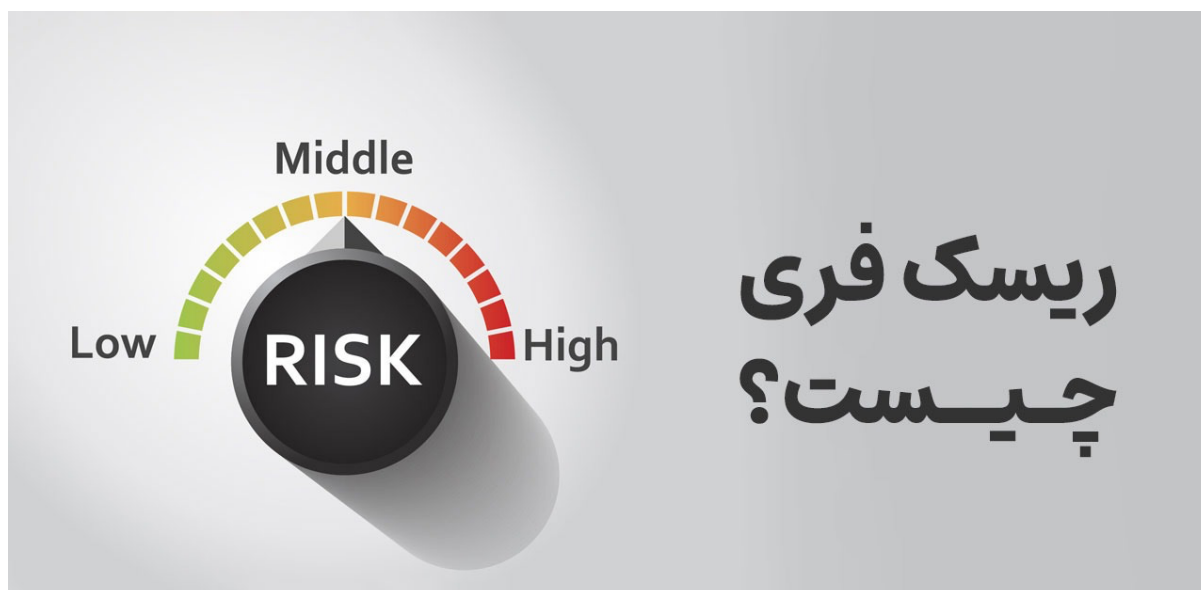
۲. حدضرر مبتنی بر اندیکاتور ATR

حد ضرر مبتنی بر نوسانات یکی از روش‌های پیشرفته و منطقی تعیین حد ضرر در معاملات فارکس است که به‌جای استفاده از مقادیر ثابت یا حدسی، از میزان نوسان واقعی بازار بهره می‌برد. مهم‌ترین ابزار برای محاسبه این نوع حد ضرر، اندیکاتور ATR است؛ شاخصی که میانگین دامنه نوسان قیمت را در یک بازه زمانی مشخص نشان می‌دهد. اندیکاتور ATR به معامله‌گر کمک می‌کند تا درک دقیقی از شدت حرکات قیمت به دست آورد. هرچه مقدار ATR بزرگتر باشد، بازار نوسانی‌تر است و حرکات‌های قیمت غیر قابل پیش‌بینی‌تر و تهاجمی‌تر می‌شود. برعکس، ATR کوچک‌تر بیانگر بازاری آرام‌تر با نوسانات محدود است. از این ویژگی برای تعیین حد ضرری استفاده می‌شود که با ساختار واقعی بازار هماهنگ باشد و با نخستین نوسانات طبیعی، فعال نشود. در روش حد ضرر مبتنی بر ATR، معامله‌گر حد ضرر را به‌جای فاصله ثابت، در فاصله‌ای متناسب با نوسان بازار قرار می‌دهد؛ به عنوان مثال، معمول است که در بازار روند دار، حد ضرر را بین 1.5 تا 2 برابر ضریب ATR قرار می‌دهند. این مقدار به‌اندازه‌ای فاصله ایجاد می‌کند که حرکات‌های طبیعی قیمت، معامله را ناخواسته متوقف نکند، اما در عین حال از زیان عمیق نیز جلوگیری می‌کند.

۳. حدضرر مبتنی بر سرمایه

حد ضرر مبتنی بر سرمایه، رویکردی نظام‌مند و بنیادین در مدیریت ریسک است که به‌جای تعیین حد ضرر بر اساس نوسانات بازار یا ساختار نمودار، بر پایه میزان زیانی که معامله‌گر از نظر مالی و روانی توان تحمل آن را دارد بنا شده است. در این روش، نقطه خروج از معامله بر اساس درصدی مشخص از کل سرمایه معامله‌گر تعیین می‌شود. درصدی که معمولاً از پیش در قالب یک قانون ثابت مدیریت سرمایه تعریف شده است. در ادبیات حرفه‌ای معامله‌گری، این روش به ریسک ثابت در هر معامله مشهور است. طبق این اصل، معامله‌گر پیش از ورود به هر موقعیت معاملاتی، سقف زیان قابل‌پذیرش خود را ۱٪ یا ۲٪ از کل سرمایه تعیین می‌کند. سپس حد ضرر چنان تنظیم می‌شود که در صورت فعال شدن، زیان تحقق‌یافته دقیقاً برابر با همین مقدار از سرمایه باشد، نه بیشتر. نقطه قوت این رویکرد در آن است که معامله‌گر را از تصمیم‌گیری‌های هیجانی و ناگهانی دور می‌سازد و او را ملزم می‌کند تنها معاملاتی را انتخاب کند که نسبت ریسک به ریوارد آن‌ها منطقی و اندازه موقعیت معاملاتی‌شان قابل مدیریت باشد. همچنین این روش به شکل‌گیری یک منحنی رشد پایدار کمک می‌کند و از ضررهای انباشته که معمولاً نتیجه عدم کنترل ریسک هستند، جلوگیری می‌نماید.

ریسک فری در فارکس چیست؟



ریسک فری کردن یکی از اصول پایه ای در مدیریت ریسک و سرمایه محسوب می شود. ریسک فری کردن معامله یعنی زمانی که معامله وارد سود شده است، حد ضرر را به نقطه‌ی ورود یا سطحی که دیگر زیان نداشته باشیم، تغییر دهیم.

چرا ریسک فری مهم است؟

1. حفاظت از سرمایه: حتی اگر بازار ناگهان برگردد، دیگر پول خود را از دست نمی‌دهید.

2. کاهش استرس روانی: وقتی معامله بدون ریسک باشد، تصمیم‌گیری راحت‌تر می‌شود.

3. حفظ سود: اجازه می‌دهد سودهای کوچک یا متوسط از بین نروند.

چگونه ریسک فری کنیم؟

1. تعیین نقطه ورود و حد ضرر اولیه:
قبل از ورود به معامله، حد ضرر خود را مشخص کنید (مثلاً 30 پیپ پایین‌تر از نقطه ورود).

2. مشاهده حرکت قیمت به سمت سود:
وقتی قیمت به حداقل سود مورد انتظار رسید (مثلاً نصف فاصله حد ضرر تا هدف یا بیشتر)، آماده ریسک فری کردن می‌شویم.

3. جابجایی حد ضرر به نقطه ورود:
حد ضرر را روی نقطه ورود یا کمی بالاتر/پایین‌تر (بسته به خرید یا فروش) قرار می‌دهیم. در نتیجه اگر قیمت برگردد، معامله بدون سود یا ضرر بسته می‌شود که در اصطلاح به آن Break Even یا نقطه ی سر به سر می‌گوییم.

4. ادامه مدیریت معامله:
می‌توان حد سود را هم به روش تریلینگ استاپ (Trailing Stop) حرکت داد تا سود بیشتر حفظ شود.

حد سود (Take Profit) در فارکس چیست؟

تیک پروفیت چیست؟



حد سود یا Take Profit سفارشی از پیش تعیین شده در معاملات است که به محض رسیدن قیمت بازار به سطح مشخصی از سود، موقعیت معاملاتی را به صورت خودکار می بندد. در ساختار معاملاتی فارکس، حد سود ابزاری راهبردی به شمار می رود که به معامله گر امکان می دهد سود تحقق یافته را تثبیت کند، از بازگشت احتمالی قیمت جلوگیری نماید و پایبندی به برنامه معاملاتی را حفظ کند. برخلاف خروج های احساسی یا تصمیم های لحظه ای، حد سود فرآیندی مکانیکی و بدون دخالت هیجانات انسانی برای بستن یک معامله موفق فراهم می سازد. از نظر ساختاری، حد سود در معاملات خرید بالاتر از قیمت فعلی بازار و در معاملات فروش پایین تر از قیمت فعلی تعیین می شود. زمانی که قیمت بازار به این سطح برسد یا از آن عبور کند، سفارش در همان لحظه اجرا شده و سود معامله بدون نیاز به حضور یا دخالت معامله گر تثبیت می شود. این ویژگی، اهمیت حد سود را برای معامله گرانی که در سشن های معاملاتی مختلف، مناطق زمانی متفاوت یا چندین جفت ارز به طور همزمان فعالیت می کنند، دوچندان می سازد. در حوزه مدیریت سرمایه و مدیریت ریسک، سطح حد سود نباید به صورت تصادفی یا بر اساس حدس و گمان تعیین شود؛ بلکه باید حاصل تحلیل دقیق باشد. این تحلیل می تواند بر اساس ساختارهای تکنیکال نظیر سطوح حمایت و مقاومت، فیبوناچی و الگوهای روند باشد یا بر اساس مدل های پیش بینی حرکتی یا نسبت های مشخص ریسک به ریوارد انجام گیرد. بدین ترتیب، حد سود به بخشی اساسی از توازن منطقی میان محدودسازی ریسک و بهینه سازی سود تبدیل می شود.

چگونه حد سود را تنظیم کنیم؟

تعیین حد سود یک فرآیند تحلیلی است که برای حفظ سود و ایجاد نظم در معاملات استفاده می شود. مهم ترین روش های تعیین حد سود عبارتند از:

۱. نسبت ریسک به ریوارد (RRR)

حد سود بر اساس نسبت مشخص مثل ۱:۲ یا ۱:۳ تعیین می شود. یعنی اگر بر فرض حد ضرر ۵۰ پیپ باشد، حد سود ۱۰۰ پیپ (نسبت ۱:۲) قرار می گیرد.

۲. سطوح حمایت و مقاومت

در این روش باید حد سود را کمی قبل از سطوح مهم قرار دهیم، چون این نواحی معمولاً موجب بازگشت قیمت می شوند.

۳. فیبوناچی اکستنشن

از این فیبوناچی برای تعیین اهداف قیمتی می توان بهره برد. سطوحی مثل 1.272 و 1.618 برای تعیین اهداف قیمتی استفاده می شوند.

۴. سقف و کف‌های نوسانی

در این روش برای معاملات خرید، سقف‌های اخیر به عنوان TP قرار می‌گیرند و برای معاملات فروش، کف‌های قبلی به عنوان TP در نظر گرفته می‌شوند.

۵. حد سود مبتنی بر ATR

با ضرب مقدار ATR در ۱.۵ یا ۲، حد سود براساس نوسانات بازار تعیین می‌شود.

۶. خطوط روند و کانال‌ها

در روندهای صعودی یا نزولی، حد سود روی لبه‌های کانال یا نقاط برخورد با خطوط روند قرار می‌گیرد.

۷. میانگین‌های متحرک

در این روش میانگین‌های ۵۰، ۱۰۰ و ۲۰۰ به‌عنوان اهداف پویا برای تنظیم حد سود استفاده می‌شوند.

۸. خروج پله‌ای

در این روش چندین حد سود تنظیم می‌شود. وقتی قیمت به اولین حد سود رسید، بخشی از معامله بسته می‌شود و بخش دیگر معامله در صورت برخورد قیمت با اهداف بعدی بسته می‌شود.

اصول مهم حد سود

- ۱) حد سود باید بر اساس تحلیل تعیین شود، نه حدس و احساس.
- ۲) اهداف غیر واقعی باعث کاهش نرخ موفقیت می‌شوند.
- ۳) حد سود باید با حد ضرر و مدیریت ریسک هماهنگ باشد.

نسبت ریسک به ریوارد (R:R) چیست؟



این مفهوم یکی از پایه‌ای‌ترین اصول مدیریت ریسک و سرمایه در فارکس محسوب می‌شود، زیرا معامله‌گر را وادار می‌کند پیش از ورود به بازار، ساختار ریسک و سود بالقوه را به‌طور عقلانی بسنجد. نسبت ریسک به ریوارد معیاری تحلیلی در بازار فارکس است که میزان سود احتمالی یک معامله را در مقایسه با مقدار ریسکی که معامله‌گر حاضر است در همان معامله بپذیرد، ارزیابی می‌کند. این نسبت نشان می‌دهد برای به‌دست آوردن چه میزان سود، چه مقدار زیان احتمالی را متحمل می‌شوید. در این ساختار، ریسک معمولاً فاصله میان قیمت ورود و حد ضرر (Stop Loss) و ریوارد فاصله بین قیمت ورود و حد سود (Take Profit) است. معامله‌گران با بررسی این نسبت می‌توانند تشخیص دهند که آیا یک معامله از نظر ساختار سود/زیان منطقی و قابل توجیه است یا خیر.

برای مثال، اگر نسبت ریسک به ریوارد ۱:۳ باشد، به این معناست که معامله‌گر حاضر است در قبال هر ۱ واحد ریسک، ۳ واحد سود احتمالی دریافت کند. این نسبت‌ها به‌طور مستقیم بر کیفیت و ارزش یک معامله اثر می‌گذارند و به معامله‌گر کمک می‌کنند تنها معاملاتی را انتخاب کند که از نظر آماری و منطقی ارزش ورود دارند. به‌طور کلی، نسبت‌های مطلوب مانند ۱:۲ یا ۱:۳ به معامله‌گر اجازه می‌دهد حتی با درصد موفقیت متوسط نیز در بلندمدت سودآوری پایدار داشته باشد.

اهرم در فارکس چیست؟



لوریج یا اهرم معاملاتی در بازار فارکس سازوکاری مالی است که به معامله‌گر اجازه می‌دهد با سرمایه‌ای بسیار بیشتر از موجودی واقعی حساب خود معامله کند. در عمل، لوریج نوعی ضریب تقویتی است که از طریق آن معامله‌گر می‌تواند با قرض

گرفتن اعتبار از کارگزار، حجم معامله خود را چند برابر کند. لوریج معمولاً با نسبت‌هایی مانند ۱:۱۰، ۱:۵۰، ۱:۱۰۰ یا حتی ۱:۵۰۰ نمایش داده می‌شود. برای مثال، نسبت ۱:۱۰۰ بدین معناست که در ازای هر ۱ واحد سرمایه‌ای که معامله‌گر ارائه می‌دهد، کارگزار امکان کنترل ۱۰۰ واحد سرمایه را برای او فراهم می‌کند. به این ترتیب، فرد می‌تواند با تنها ۱۰۰ دلار وجه تضمین، معامله‌ای به ارزش ۱۰،۰۰۰ دلار باز کند. هرچند لوریج توان بالقوه کسب سود را افزایش می‌دهد، اما همزمان میزان ریسک و زیان احتمالی را نیز چند برابر می‌کند. زیرا نوسانات قیمتی، چه مثبت و چه منفی بر کل حجم معامله اعمال می‌شوند. بنابراین حتی تغییرات کوچک بازار می‌تواند به سودهای قابل توجه یا زیان‌های سنگین منجر شود. به همین دلیل، استفاده از لوریج نیازمند دقت، انضباط و پایبندی به قواعد مدیریت سرمایه و مدیریت ریسک است.

کال‌مارجین چیست؟



در معاملات فارکس، هر پوزیشنی که باز می‌شود به مقدار مشخصی مارجین نیاز دارد؛ یعنی بخشی از سرمایه که به‌عنوان وثیقه برای معامله کنار گذاشته می‌شود. با حرکت بازار، ارزش معاملات باز تغییر می‌کند و در نتیجه اکوئیتی حساب نیز بالا و پایین می‌شود. هرگاه زیان‌ها افزایش یابد و اکوئیتی به سطحی کمتر از مجموع مارجین مورد نیاز برسد، بروکر پیام مارجین کال به تریدر ارسال می‌کند. مارجین کال دو هدف اصلی دارد:

1. حفاظت از معامله‌گر:

هشدار می‌دهد که معامله‌گر در آستانه‌ی افت شدید سرمایه است و باید سرمایه اضافه کند یا حجم معاملات را کاهش دهد.

2. حفاظت از بروکر:

تضمین می‌کند که بروکر در معرض ریسک منفی شدن موجودی حساب مشتری قرار نگیرد.

پس از صدور مارجین کال، معامله‌گر باید یکی از اقدامات زیر را انجام دهد تا سطح مارجین حساب دوباره به مقدار قابل‌قبول برسد.

1. واریز سرمایه‌ی بیشتر

2. بستن بخشی از معاملات باز

3. کاهش حجم یا تعداد معاملات

اگر معامله‌گر اقدامی انجام ندهد و اکوئیتی همچنان کاهش یابد، حساب به سطح استاپ اوت می‌رسد. در این حالت بروکر به‌طور خودکار معامله‌ها را از بزرگترین زیان شروع به بستن می‌کند تا حساب به محدوده‌ی منفی وارد نشود.

چگونه یک سیستم مدیریت سرمایه بسازیم؟



برای ساخت این سیستم به عناصر زیر نیاز داریم:

- باید محدودیت حداکثر ریسک حساب که بین نیم درصد تا دو درصد باشد را برای هر معامله قرار دهیم.
- باید یک حد ضرر به صورت روزانه برای خود تعریف کنیم، به گونه ای که اگر حدضرر روزانه لمس شد، انجام معامله در آن روز را متوقف کنیم.
- باید یک حد ضرر به صورت هفتگی برای خود تعریف کنیم، به گونه ای که اگر حدضرر هفتگی لمس شد، انجام معامله در آن هفته را متوقف کنیم.
- برنامه ثابت معاملاتی
- تست استراتژی در شرایط متفاوت بازار

- ژورنال کامل معاملات

اشتباهات رایج در مدیریت سرمایه:

- (۱) ترس
 - (۲) طمع
 - (۳) انتقام‌جویی
 - (۴) هیجان پس از برد بزرگ
- ### روش‌های کنترل احساسات در ترید



در جهت بهبود مدیریت ریسک و سرمایه باید بتوانیم احساسات خود را در ترید کنترل کنیم. برای این کار روش‌های متعددی وجود دارد که در این بخش به مهم‌ترین آنها اشاره شده است:

- پایبندی به قوانین مکتوب
- تحلیل نتایج به جای تکیه بر احساس
- استراحت پس از ضررهای سنگین
- پذیرش طبیعی بودن ضرر

جمع‌بندی

مدیریت ریسک و سرمایه، شالوده اصلی موفقیت در فارکس است. رعایت اصول مدیریت سرمایه نهایتاً منجر به حفظ سرمایه تریدر می‌شود. همچنین باعث می‌شود معامله‌گر تحت فشارهای احساسی، تصمیمات غلط اتخاذ نکند. رعایت مدیریت سرمایه

موجب پایدار شدن عملکرد تریدر می شود و پیروزی او در بلند مدت را تضمین می کند. توجه داشته باشید که معامله گری حرفه ای زمانی آغاز می شود که سرمایه و ریسک تحت کنترل کامل باشند.

این محتوا توسط تیم تحلیل و بلاگ مجموعه حسنیکیال تهیه و تدوین شده است. هدف این مجموعه ارتقای دانش مالی و افزایش آگاهی معامله گران است و تلاش دارد اطلاعاتی دقیق، بی طرفانه و مبتنی بر اصول حرفه ای را در اختیار مخاطبان قرار دهد. لازم به تأکید است که محتوای ارائه شده صرفاً جنبه آموزشی دارد و به هیچ عنوان به منزله توصیه خرید، فروش یا انجام هرگونه معامله تلقی نمی شود. تصمیم گیری های مالی می بایست با بررسی های شخصی و در نظر گرفتن سطح ریسک پذیری هر فرد اتخاذ شود.

پرسش های متداول

۱. چرا با وجود داشتن استراتژی خوب، بسیاری از معامله گران ضرر می کنند؟

چون مدیریت ریسک ندارند؛ استراتژی فقط بخشی از موفقیت است.

۲. حد ضرر استاندارد چند پیپ است؟

هیچ عدد استاندارد وجود ندارد؛ باید بر اساس ساختار بازار تعیین شود.

۳. برای افراد تازه کار بهترین اهرم چیست؟

اهرم واقعی پایین مثل ۱:۵ تا ۱:۲۰.

۴. آیا با نرخ برد پایین هم می توان سود کرد؟

بله. اگر $R:R$ مناسب باشد، حتی برد 30% هم می تواند سودده باشد.